



رودالف پی. متی

سیاست تجارت در ایران عصر صفوی

ابریشم در برابر نقره، ۱۶۰۰-۱۷۳۰

ترجمهٔ مانی صالحی علامه



سیاست تجارت در ایران عصر صفوی



رودالف پی. متی

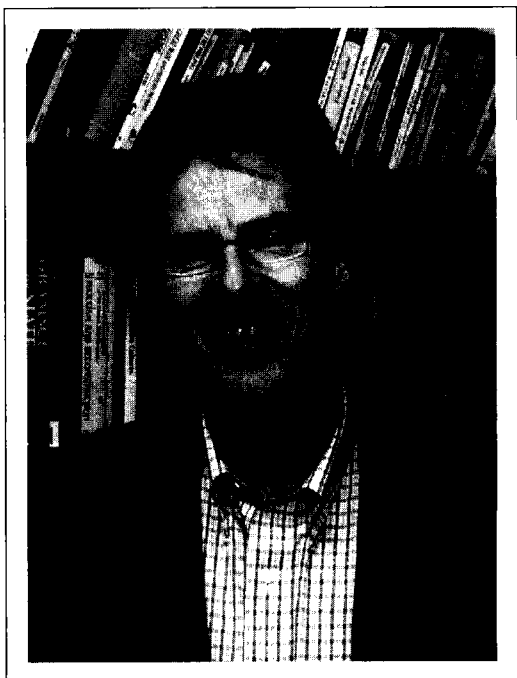
سیاست تجارت در ایران عصر صفوی

ابریشم در برابر نقره، ۱۶۰۰-۱۷۳۰

ترجمهٔ مانی صالحی علامه



فرهنگ جاوید



رودالف پی. متی

- ۱۹۵۳



فرهنگ جاوید

www.farhangejavid.com

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۵۴۳۱ | تلفن: ۰۲۱۶۶۹۰۶۰۳۱

@farhangejavid

@farhangejavidpub

@farhangejavid

Rudolph P. Matthee

The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk for Silver, 1600-1730

Cambridge University Press, 1999

Persian translation Copyright © Farhange Javid Publishing, 2022

First published 2022

All rights reserved

سیاست تجارت در ایران عصر صفوی: ابریشم در برابر نقره، ۱۶۰۰-۱۷۳۰

رودالف پی. متی ترجمه مانی صالحی علامه

ویراستاران: علیرضا جاوید، علی پاپلی یزدی مجموعه فرهنگ و علوم انسانی

دبیر مجموعه: علیرضا جاوید مدیر هنری و طراح جلد: محمد باقر جاوید

صفحه آرا: احمد جاوید ناشر: انتشارات فرهنگ جاوید

چاپ اول: ۱۴۰۱

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

© کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات فرهنگ جاوید محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن چه جزئی چه کلی (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

Matthee, Rudolph P., 1953-

متی، رودالف پی. ۱۳۵۳-

سیاست تجارت در ایران عصر صفوی، ابریشم در برابر نقره، ۱۶۰۰-۱۷۳۰.

رودالف پی. متی، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: فرهنگ جاوید، ۱۴۰۱.

۵۱۱ ص. (مجموعه فرهنگ و علوم انسانی)

ISBN: 978-600-6182-08-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۸۲-۰۸-۷

The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk for Silver, 1600-1730

عنوان اصلی:

۱. ایران، سیاست اقتصادی ۲. تاریخ، صفویان. صالحی علامه، مانی، ۱۳۴۰، مترجم.

۲۸۰/۱۴۵۶۷۷۳۹۰۹۵۵ - ۲۷۹۷۷۰۳

HD ۹۹۲۶/الف ۱۳۹۱ ۲۹۲م

پیشکش به
مادرم، خرار دینا متی - ورسپور،
و شادروان پدرم، آنتونیوس متی^۲.

فهرست

۱۱	فهرست تصاویر
۱۳	یادداشت مؤلف بر ترجمه فارسی
۱۷	پیشگفتار
۲۱	تقدیر و سپاسگزاری
۲۵	علائم اختصاری
۲۷	نقشه‌ها
۳۳	مقدمه
۵۹	فصل اول تجارت ابریشم ایرانی: از جاده ابریشم تا صفویان
۹۱	فصل دوم راهکارها، تدارکات، تأمین بودجه و امور مالی
	فصل سوم شاه عباس اول و اقتصاد سیاسی صفویه: توسعه ارضی،
۱۳۹	خط مشی ضد عثمانی و سیاست ابریشم
	فصل چهارم نظارت حکومت و رقابت فزاینده: انحصار صادرات
۱۸۹	ابریشم و پیدایش کمپانی‌های دریایی اروپایی
	فصل پنجم مشکلات و پیچیدگی‌های خصوصی سازی: از الغای
	انحصار صادرات ابریشم تا پیمان صلح زهاب،
۲۳۷	۱۶۲۹-۱۶۳۹/۱۰۳۸-۱۰۴۹

۲۸۷	فصل ششم	تعارض و کشمکش و جهت‌گیری مجدد: ابریشم در برابر نقره، ۱۶۴۰-۱۶۶۷/۱۰۵۰-۱۰۷۸
۳۳۹	فصل هفتم	دستورالعمل جدید و ایجاد مسیر ارتباطی روسیه، از دهه ۱۶۶۰/۱۰۷۰ تا دهه ۱۶۹۰/۱۱۰۱
۳۸۹	فصل هشتم	رکود و انسجام و استمرار، ۱۶۹۰-۱۷۳۰/ ۱۱۰۱-۱۱۴۲
۴۳۷	نتیجه‌گیری	
۴۵۷	تعلیقات	
۴۶۳	واژه‌نامه	
۴۶۹	کتاب‌شناسی	
۵۰۵	نمایه	

فهرست تصاویر

- ۱ رسید محمولهٔ ابریشم که به درویش محمد مکاری تحویل داده و توسط او پذیرفته شده است، در سند اهدایی آرشیو ملی، لاهه:
ARA, le afd., Coill. Gel. de Jongh 298
۱۱۵
- ۲ کاروانسرای ماهیار، ۱۱۱۶/۱۷۰۴، طراحی کورنلیس دِ بروین، در سند اهدایی کتابخانهٔ سلطنتی هلند، لاهه:
Cornelis de Bruyn, *Reizen over Moskovie, door Persie en Indie*,
۱۲۱ 2nd edn, 1714.
- ۳ چشم‌انداز اصفهان، ۱۷۰۳-۱۷۰۴/۱۱۱۵-۱۱۱۶، طراحی کورنلیس دِ بروین، در سند اهدایی کتابخانهٔ سلطنتی هلند، لاهه:
Cornelis de Bruyn, *Reizen over Moskovie, door Persie en Indie*,
۱۴۴ 2nd edn, 1714.
- ۴ چشم‌انداز میدان نقش جهان یا میدان شاهی اصفهان، ۱۷۰۳/۱۱۱۵، طراحی کورنلیس دِ بروین، در سند اهدایی کتابخانهٔ سلطنتی هلند، لاهه:
Cornelis de Bruyn, *Reizen over Moskovie, door Persie en Indie*,
۱۴۵ 2nd edn, 1714.

- ۵ صفحهٔ اوّل صورت حساب ابریشم هلندی. در سند اهدایی آرشیو
ملّی، لاهه: ARA, le afd., Coll. Gel. de Jongh, 92. ۲۱۷
- ۶ چشم انداز بندر عباس، حدود ۱۷۰۴/۱۱۱۶، اثر کورنلیس ډ بروین.
در سند اهدایی آرشیو ملّی، لاهه:
- ۲۱۸ ARA, le efd., 4. Aanw., Aanwinsten 1891, nr. 29.
- ۷ ورود یوهان جوشونا کیتلار (Johan Joshua Ketelaar)، سفیر هلند و
همراهانش به اصفهان در ۱۶ مه ۱۷۱۷/۴ جمادی الثانی ۱۱۲۹.
طراحی ی. گ. وُرم، در سند اهدایی دانشگاه تورینگن و کتابخانهٔ
دولتی: J. G. Worm, *Ost-Indian und persianische Reisen*, 1737. ۴۱۴

یادداشت مؤلف بر ترجمه فارسی

آنچه در پی می‌آید یادداشتی است به مناسبت ترجمه و انتشار کتابم سیاست تجارت در ایران عصر صفوی؛ و ناگفته نماند که از انتشار آن بسیار خرسندم. نکات مهم در مقدمه اصلی کتاب بیان شده است و به ذکر چند نکته بسنده می‌کنم. نخست اینکه از چاپ نسخه انگلیسی کتاب حدود بیست سالی می‌گذرد اما با کمال تواضع عرض می‌کنم که با وجود پژوهش‌های جدید، این کتاب همچنان محل بحث است و مدّعی آن به قوّت خود باقی است. با وجود آنکه در این مدت منابع غیرفارسی جدیدی دربارهٔ ابریشم عصر صفوی به دست آمده است اما هیچ ارتباط معناداری با موضوع بحث من در کتاب حاضر یعنی کشت ابریشم و تجارت ابریشم ندارند و در این زمینه اطلاعات مفیدی به منابع فارسی آن دوره نمی‌افزایند. مطالب جدید بیشتر از آرشیوهای روسیه به دست آمده‌اند و مربوط می‌شوند به اواخر عصر صفوی و علاقهٔ روزافزون دولت روسیه و تجّار ارمنی بخش خصوصی فعال در این کشور به ابریشم ایرانی. این مطالب بیشتر بر حجم داده‌های کتاب می‌افزایند و مرا وادار نمی‌کنند تا در دیدگاه و استدلال‌هایی که در این کتاب مطرح کرده‌ام، تجدید نظر کنم.

با نگاهی به گذشته و با گذشت بیست سال از انتشار کتابم، بار دیگر

درمی یابیم که ابریشم به عنوان تنها محصول صادراتی قابل رقابت با کالاهای دیگر در خارج از مرزهای ایران، چه اهمیت حیاتی برای دولت صفوی داشته است. در این کتاب نشان داده‌ام که شاه عباس اول در قامت پادشاه [قدر قدرت]، با بصیرت و تیزبینی خود مسائل اقتصادی را فراتر از تجمیع صرف ثروت از طریق باج و خراج می‌دیده است. دویست سال بعد از مرگ شاه عباس اول، تنها دولتمردی که به اهمیت رابطه سیاست و اقتصاد در راه توسعه کشور پی برده بود شخص امیرکبیر بود.

ذخائر معدنی ایران در عصر صفوی بسیار غنی بود اما استخراج و بهره‌برداری از آنها مقرون به صرفه نبود. در بخش کشاورزی نیز محصولات مختلفی کشت و زرع می‌شد اما قوت و غنای هیچ‌یک به پای ابریشم نمی‌رسید. شاه عباس به خوبی از موقعیت استراتژیک این محصول آگاه بود و با مهارت خاصی توانست آن را برای اهداف تجاری و سیاسی خود به قصد پُر کردن خزانه سلطنتی و به حاشیه راندن دشمنان سرسخت خود و گسترش قلمرو سرزمینی ایران به کار بندد. شاه عباس که مسیر عبوری (تزانزیت) ابریشم از خاک عثمانی را پرمخاطره می‌دید با روس‌ها وارد مذاکره شد تا شرایط مسیر شمالی را بیازماید. اما هدف اصلی او از این مذاکره پیدا کردن خط ارتباط دریایی بین خلیج فارس و اروپا بود از طریق سه مسیر دریایی اقیانوس هند و دماغه امید نیک و اقیانوس اطلس. با توجه به این هدف، او کمپانی‌های تجاری انگلیسی و هلندی هند شرقی را به خدمت گرفت و به آنها اجازه داد در ازای پرداخت حداقل مالیات و عوارض گمرکی، در خاک ایران تجارت کنند. سیاستی که شاه عباس در قبال این کمپانی‌ها اختیار کرده بود، حساب شده بود؛ او با کمک یک دولت خارجی به مصاف دول دیگر می‌رفت. برای نمونه، برای بیرون راندن پرتغالی‌ها از جزیره هرمز که از سال ۱۵۰۷/۹۱۲ در اشغال آنها بود، انگلیسی‌ها را به یاری طلبید. شاه عباس (و نیز جانشینانش) همچنین از توان دریایی دول خارجی برای گسیل نمایندگان سیاسی به هند و در مواقعی فرستادن زائران مکه به شبه جزیره عربستان سود می‌برد و همواره هوشیار بود که رابطه با دول بیگانه را متعادل نگه دارد تا شیرازه امور از دستش خارج نشود.

تأمل دربارهٔ سیاستی که شاه عباس در ارتباط با دول خارجی در پیش گرفته بود، مرا به نکته‌ای می‌رساند که در کتاب حاضر آشکارا بیان نشده است: موقعیت هلندی‌ها و انگلیسی‌ها در ایران و رابطهٔ اقتصادی و دیپلماتیک هریک از آنها با دولتمردان ایرانی کاملاً متفاوت بود، و نمی‌توانیم آن را از نوع رابطهٔ امپریالیسمی قلمداد کنیم. اروپایی‌ها درک و شناخت بهتری از جهان پیرامون خود داشتند و با در اختیار داشتن دانش ترسیم نقشه‌های دریایی، اقیانوس‌ها را درنوردیدند. از نظر فناوری نیز نسبت به ایرانیان پیشرفته‌تر بودند و بالطبع می‌توانستند برای کسب سود، حوزهٔ نفوذ قلمرو خود را در اقصی نقاط جهان گسترش دهند.

اما دربارهٔ موقعیت ایران در قرن نوزدهم باید گفت که این کشور وضعیتی داشت که موجبات برهم خوردن تعادل سیاسی و اقتصادی و قدرت نظامی بین دول اروپایی و آسیایی را فراهم آورد. در این مقطع تجار اروپایی در ازای واردات ادویه از هند و شرق هند و حجم بالای شکر به ایران — که سراز مطبخ‌خانه‌های ثروتمندان درمی‌آورد — نه ابریشم ایرانی که شمش‌های طلا و نقره و سکه‌های ضرب‌شده از کشور خارج می‌کردند. دلیل این کار این بود که ابریشم ایرانی نه فقط در مقایسه با ابریشمی که در بنگال هند تولید می‌شد کیفیت نازلی داشت بلکه در مجموع ایران هیچ کالایی نداشت که مورد علاقهٔ مردمان کشورهای دیگر باشد.

هدف ورود دول اروپایی به ایران در عصر صفوی، تجارت بود و نه اشغال اراضی. از منظر سیاسی، شاه یگانه مسئول کشور بود و قوانین را شخص او تعیین و تصویب می‌کرد. انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در زمان حضورشان در ایران، نتوانستند در زمینهٔ تجارت ابریشم، شرایط خود را بر شاه صفوی تحمیل کنند. دسترسی تجار انگلیسی و هلندی به مناطق ابریشم‌خیز ایران یعنی مازندران و گیلان مسدود بود، از این رو ایشان مجبور بودند برای تأمین ابریشم مورد نیاز خود با دولت همکاری کنند و شروط تعیین‌شدهٔ ایرانیان را — به جز خروج از کشور — بپذیرند. تردیدی نیست که اروپایی‌ها در کشور و دربار سلطنتی نفوذ پیدا کرده بودند اما این نفوذ بیشتر به این دلیل بود که ایرانیان از همهٔ اقشار، تا حدودی برای

کسب حمایت در مقابل رقبای داخلی و مقامات محلی ظالم، به آنها نزدیک شده بودند.

در خاتمه جا دارد تشکر ویژه‌ای داشته باشم از آقای علیرضا جاوید مدیر و دبیر انتشارات فرهنگ جاوید که شرایط ترجمه و چاپ این کتاب را مهیا کرد. قدردان آقای مانی صالحی علامه هستم که پیشتر نیز دو کتاب مرا ایران در بحران و تفریحات ایرانیان را ترجمه کرده است. از آقای دکتر محمود عبدالله زاده و آقای کاظم فرهادی برای ارائه مشاوره علمی به ویراستاران کتاب تشکر می‌کنم. آقایان علی پاپلی یزدی و علیرضا جاوید با مقابله متن و ویرایش آن، بر غنای کار افزودند. صفحه‌آرایی چشم‌نواز کتاب نیز حاصل هنر و زحمت آقای احمد جاوید است.

نکته آخر آنکه باید به حیات فکری ایران و صنعت چاپ و نشر این کشور به خاطر داشتن چنین قهرمانانی تبریک گفت.

رودالف متی

نیوارک، مه ۲۰۲۲

پیشگفتار

در طی ربع قرن اخیر، مطالعه و تحقیق در باب تجارت با سرزمین‌های دوردست در جنوب و جنوب غرب آسیا در اوایل عصر مدرن به حوزه پژوهشی جدی‌ای تبدیل شده است. به طور مشخص دولت گورکانی^۱ و تا حد کمتری امپراتوری عثمانی، شاهد تک‌نگاری‌های ارزشمندی درباره وجه مختلف تجارت و تجار داخلی، فعالیت‌های کمپانی‌های کشتیرانی تازه تأسیس اروپایی در آب‌های آسیا، اجناس و کالاهایی که حمل و دادوستد می‌کردند، جایگاه سوداگران در جامعه و تعاملشان با دولت بوده‌اند. اما به استثنای تحقیقات قابل توجه ولی ناقص نیلس استینسگارد^۲ و استیون دیل^۳ — که هیچ‌یک مشخصاً به دادوستدهای تجاری ایران نمی‌پردازند — ایران عصر صفوی از این موج توجه عالمانه سهمی نبرده است. احتمالاً این بی‌توجهی و خلأ مشهود را باید ناشی از موقعیت استراتژیک ایران عصر صفوی دانست: کشوری تحت فشار میان دو امپراتوری با منابع و ثروت

۱. The Mughal state؛ گورکانیان، امپراتوری تیموری در شبه قاره هند از ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷. (وف.)

۲. Niels Steensgaard (۱۹۳۲-۲۰۱۳)؛ مؤرخ دانمارکی و متخصص در تاریخ اوایل عصر مدرن. (وف.)

۳. Stephen Dale (۱۹۴۱-)؛ مؤرخ آمریکایی و متخصص در تاریخ هند، افغانستان، ایران و آسیای

مرکزی. (وف.)

بنیاد غنی، که نسبت به آن دو امپراتوری روابط محدودی با غرب داشته است. مع الوصف وجود چنین شکافی عجیب و توجیه‌ناپذیر است: عجیب به لحاظ شهرت تشویق به تجارت راه دور از سوی شاه عباس اول، که دوران حاکمیتش عملاً با شکوفایی بازرگانی ایران همراه است تا جایی که می‌توان او را در قدرت و دوراندیشی از پادشاهان قبلی و بعدی یکسر ممتاز و متمایز دانست؛ و توجیه‌ناپذیر به خاطر وجود منابع غنی و اطلاعات در دسترس مربوط به آن زمان در بایگانی اسناد کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند و، تا حدی کمتر، در بایگانی‌های مختلف روسیه.

کتاب حاضر برای کمک به اصلاح وضعیت موجود و جبران عدم توجه به موقعیت تجاری ایران، تلاش دارد با تمرکز بر کالای ابریشم به وجوه گوناگون تجارت ایران عصر صفوی با ممالک دوردست بپردازد. دعوی مؤلف ارائه تحقیقی جامع و فراگیر پیرامون ابریشم در ایران اوایل عصر مدرن^۱ نیست. تمرکز این کتاب بر ابریشم خام و نحوه "پروردن" آن است؛ اما هیچ بحثی در مورد سازوکارهای تولید صنعتی یا فنی منسوجات ابریشمین طرح نمی‌کند. علاقه‌مندان به این مباحث می‌توانند به منابع دیگر در این زمینه مراجعه کنند. با وجود این، تحقیق حاضر می‌خواهد چیزی بیش از بررسی ابریشم و چگونگی دادوستد و حمل و نقل آن باشد. پژوهش حاضر در پی آن است تا از طریق ابریشم، چگونگی پیوند تجارت و قدرت سیاسی در ایران اواخر عصر صفوی را آشکار سازد. [البته] بدیهی است که ابریشم نمی‌تواند کلید دستیابی به این مقصود باشد، چراکه ابریشم کالایی تجملی است و به همین دلیل اغلب برای مطالعه فرایندهای اجتماعی و اقتصادی در جوامع غیرمدرن^۲ ارزش کمتری دارد. اما به هر حال، ابریشم در عصر صفوی پُرسودترین محصول صادراتی ایران بود. دایره تأثیر ابریشم، به عنوان یکی از منابع محوری کسب درآمد دربار، ماده خام صنعت نساجی تحت نظارت دولت، و کالایی اساسی در مراودات تجاری میان ایران و ممالک دوردست، فراتر از جمع‌نخبگان بود. بنابراین اهمیت اقتصادی

و سیاسی ابریشم بسی فراتر از اهمیت تجملی آن بود و به همین دلیل می‌تواند در ایضاح یکی از مدعاهای اصلی این پژوهش یاری‌رسان باشد؛ تجارت، صرفاً در بستر سیاسی خود می‌تواند به شکلی مثمرتر مورد پژوهش قرار گیرد.

به دلیل اهمیت ابریشم برای دولت — و ماهیت مواد پژوهشی قابل دسترس — این کالا توجه محقق را به دربار، و به صحنه قدرت و عرصه‌ای جلب می‌کند که در آنجا تصمیماتی گرفته می‌شدند که، حداقل در بُعد نظری، شامل کل قلمرو می‌بودند. از این رو، کانون توجه کتاب حاضر را تا حدودی بیرون از دانش پژوهی متداول درباره تجارت و تجار آسیایی قرار می‌دهد. نگاه دانش پژوهی متداول به نواحی پیرامونی معطوف است و به همین دلیل خود را بر شهرهای بندری، تغییرات منطقه‌ای، مقاومت در برابر قدرت مرکزی و پتانسیل تجدید حیات — به رغم فروپاشی مرکز — متمرکز می‌کند. این مضامین، به عنوان بخشی از دغدغه تحقیق پیش رو درباره بحران سیاسی و اقتصادی ایران عصر صفوی در اواخر قرن هفدهم محل توجه است. در عین حال، دولت مرکزی و نقشی که در تهیه ابریشم، چانه زنی درباره ابریشم و توزیع ابریشم ایفا می‌کرد، در مرکز توجه قرار دارد. از خلال توجه به [نقش] دولت است که ایران صفوی، به عنوان یک موجودیت سیاسی متمایز — که توسط نخبگانی خودآگاه اداره می‌شد — و یک حوزه قلمرویی، ظهور کرد و توانست حدود فرهنگی و اجتماعی شناور خود را با مرزهای تقریباً تعریف شده جغرافیایی و حتی اقتصادی، که با نقاط مرزی روشن مشخص شده‌اند، هماهنگ سازد.

ابریشم ایرانی در عصر صفوی، نهایتاً، از مرزهای منطقه‌ای و ملی گذر کرد، دست به دست گشت و در بستر یکی از بزرگ‌ترین روندهای تمامی دوران‌ها، یعنی گسترش دریانوردی اروپایی و توسعه روابط بینا فرهنگی منتج از آن، نیمی از جهان را پیمود. ابریشم صفوی یکی از کالاهایی بود که به درهم آمیختن و ادغام مناطق اقتصادی در ورای مرزهای امپراتوری و فرهنگی یاری رساند. این کار از راه‌های مختلفی انجام می‌گرفت، چراکه حتی پس از گشایش و برقراری ارتباط دریایی که ایران را از طریق اقیانوس هند و اقیانوس آتلانتیک به اروپا پیوند می‌داد، صادرات ابریشم ایرانی به حوزه مدیترانه از مسیرهای شوسه

که از قلمرو عثمانی در آناتولی و بین‌النهرین عبور می‌کرد ادامه یافت. کتاب حاضر برای مستند کردن ادامه حیات و حتی تا حدی افزایش فعالیت در این مسیرهای زمینی، می‌کوشد تا با ارائه مستندات متعدد و دلایل تازه، نظریه مشهور استینسگارد را مبنی بر انحطاط و رکود تجارت از راه خشکی در پی ورود کمپانی‌های کشتیرانی اروپایی [به صحنه تجارت جهانی] اصلاح نماید. در همین راستا، این پژوهش تأثیر اندک کمپانی‌های اروپایی بر اقتصاد و جامعه ایران در قرن هفدهم را نشان می‌دهد؛ و می‌کوشد ثابت کند که این تأثیر اندک نتیجه همزمان مناطق صعب‌العبور و حتی غیرقابل دسترسی، و جذابیت اندک ایران به عنوان تأمین‌کننده کالا بوده است.

تقدیر و سپاسگزاری

در جریان تحقیق و تکمیل کتاب حاضر از لطف و مساعدت بسیاری برخوردار شده‌ام. بیش از همه، نیکی کدی^۱ بود که مرا تاریخ‌دان کرد. انگیزه هوشمندانه و سخاوتش تأثیری ماندگار بر من گذاشت. همیشه قدردان این پیشنهاد او خواهم بود که گفت بهتر است من به عنوان یک هلندی، به تحقیق و بررسی عصر صفوی با استناد به منابع کمپانی تجارت دریایی هلند بپردازم. با پیروی از این توصیه توانسته‌ام با یک تیر، دو نشان بزنم: دورانی باشکوه و مسحورکننده در تاریخ ایران در برابرم گشوده شده و در حین کاوش در آن، توانسته‌ام نکات بسیاری درباره گذشته خودم دریابم. مایکل مورونی^۲ که پرسش‌هایش همیشه مخاطره‌آمیز بوده و هرگز با پاسخ‌های ساده راضی نمی‌شود، سهم خود را در افزایش توان تدقیق و نقادی من ادا کرده است.

وامدار همه همکاران و دوستانی هستم که کتاب حاضر را در مراحل مختلف پیش از چاپ مطالعه کرده‌اند. ویلم فلور^۳، ادموند هرتسیگ^۴ و نیکی کدی نسخه

1. Nikki Keddi

3. Willem Floor

2. Micheal Morony

4. Edmond Herzig

حروفچینی شده اثر را خواندند و اظهارنظرهای صریح و پیشنهادات ارزشمند بسیاری مطرح کردند. قدردان اظهارنظرهای احمد اشرف هستم درباره یک فصل متشکرم، و نیز از رابرت مک چسنی^۱ که مرا دعوت کرد تا بعضی از ایده‌هایم را در دانشگاه نیویورک عرضه دارم. همه کسانی که پیشنهاداتی داده‌اند تشخیص خواهند داد که در کجا به توصیه‌شان عمل کرده‌ام و در کجا نه. اما هیچ‌یک از آنها به هیچ‌وجه مسئول اشتباهات یا نتیجه‌گیری‌های شتاب‌زده من نیستند؛ هرآنچه در این صفحات، خام و کم‌رنگ است تنها از آن من است. از ایرج افشار و اصغر مهدوی به خاطر کمکشان در موارد [محاسبه و عددنویسی] سیاق در رسید ابریشم متشکرم و از اشتفان هایدمان^۲ به دلیل مساعدتش در تهیه عکسی از نقاشی هیئت اعزامی کیتلار به ایران در ۱۷۱۷/۱۱۲۹. قدردانی‌ام از چارلز ملویل^۳ در کلام نمی‌گنجد چراکه توجهم را به عباراتی در جلد سوم افضل التواریخ جلب کرد که خودش به تازگی آن را یافته است: عبارتی که حاوی اعلان انحصار صادرات ابریشم بود و این تنها منبع فارسی زبان است که به آن اشاره کرده است. افشین متین‌عسگری سال‌هاست که رفیق شفیقم است و رهین منت اویم که از خلال کارهای دیگر، صفحات متعددی — بیش از آنکه خودش به یاد داشته باشد — از سفرنامه شاردن را برایم رونویسی کرد. همچنین مرهون اشتفان تروست^۴ هستم که اثر منتشر نشده‌اش را برایم فرستاد و قدردان جان امرسن^۵، میشل مارس^۶ و دیوید شیرر^۷ برای یاری‌شان در یافتن منابع.

برای تحقیق و نگارش رساله دکتری‌ام از حمایت شورای تحقیقات علوم اجتماعی برخوردار بوده‌ام؛ برخی از منابع آرشیوی مورد استفاده در این کتاب حاصل تحقیقات آن دوره است. کمک‌هزینه مسافرتی از بنیاد ملون^۸ و مرکز گوستاف فون گرون‌ایباوم^۹ در دانشگاه کالیفرنیا ی‌س انجلس^{۱۰} و یک کمک‌هزینه

1. Robert McChesney

2. Stefan Heidemann

3. Charles Melville

4. Stefan Troebst

5. John Emerson

6. Michelle Marrese

7. David Shearer

8. Mellon Foundation

9. Gustave von Grunebaum

10. UCLA

عمومی تحقیق دانشگاهی از دانشگاه دلاوئر^۱ تحقیقات بعدی را در آن سوی اقیانوس [در اروپا] امکان پذیر ساخت. از تأمین مالی بلاعوض برای چاپ و انتشار این کتاب از سوی دفتر مدیریت دانشگاه دلاوئر صمیمانه سپاسگزارم و نیز از بنیاد میراث فارسی^۲ در نیویورک برای تأمین مالی بلاعوضشان برای رسم و ترسیم نقشه‌ها. از باربارا بروگه^۳ برای کشیدن نقشه‌ها تشکر می‌کنم. کتابداران و مسئولان بایگانی کتابخانه دفتر هند^۴ در لندن، آرشیو امور خارجه، آرشیو ملی و آرشیو هیئت‌های نمایندگی خارجی، همگی در پاریس، آرشیو کارملیت^۵، یسوعی، و آرشیو تبلیغاتی فیده^۶ در ژم، و آرشیو ملی هلند^۷ در لاهه، همگی سزاوار تشکر به‌خاطر دقت و کارآمدی و کمک‌رسانی‌شان هستند. مریگولد اکلند^۸ و فیلیپا یانگمن^۹ از انتشارات دانشگاه کیمبریج به بهترین و حرفه‌ای‌ترین صورت ممکن دست‌نوشته اثر حاضر را به طبع رسانده‌اند.

سرمشق‌های واقعی من اعضای خانواده‌ام هستند. فریبا امینی منبع الهام دائمی و نماد شرافت و اندیشه خلاق است و به‌خاطر محبت و همراهی اندیشمندان‌اش از وی متشکرم. مکس^{۱۰} و تئو^{۱۱} با عشق بی‌نظیرشان به زندگی در طی دو دهه گذشته، هرروز را برایم شاد و فرح‌بخش کرده‌اند. آخرین و صمیمانه‌ترین سپاسم برای مادرم و پدر مرحومم است. این دو همیشه و با اطمینان کامل اجازه دادند تا من دلمشغولی‌های خودم را دنبال کنم؛ البته حتماً در مواقعی شک کرده‌اند که کار من به کجا خواهد کشید اما هرگز خم به ابرو نیاوردند. امیدوارم ناامیدشان نکرده باشم. کتاب حاضر نشانه قدردانی من است از این عزیزان.

1. Delaware

3. Barbara Broge

5. Carmelite

7. Algemeen Rijksarchief

9. Philippa Youngman

11. Theo

2. Persian Heritage Foundation

4. India Office

6. Fide

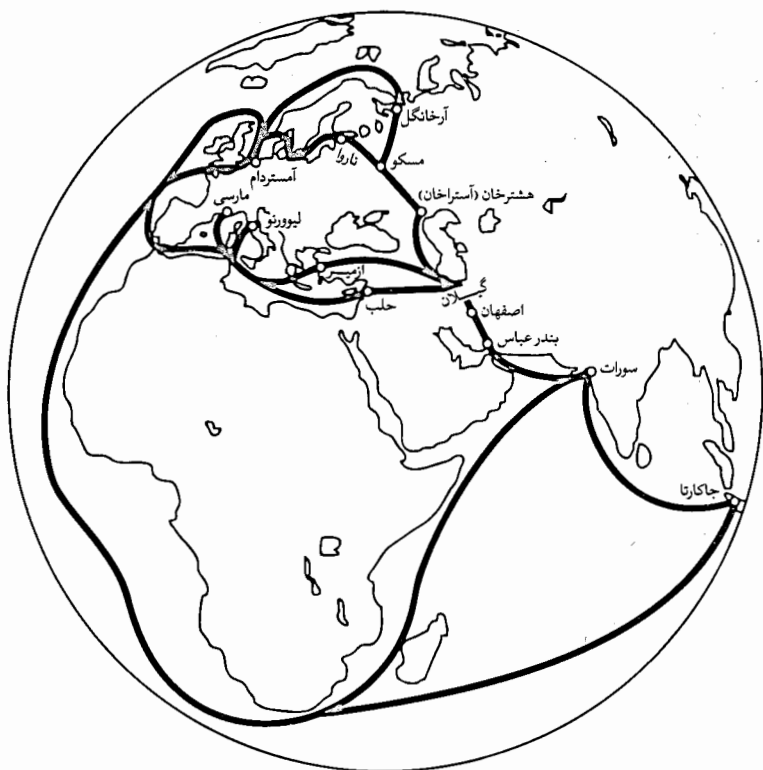
8. Marigold Acland

10. Max

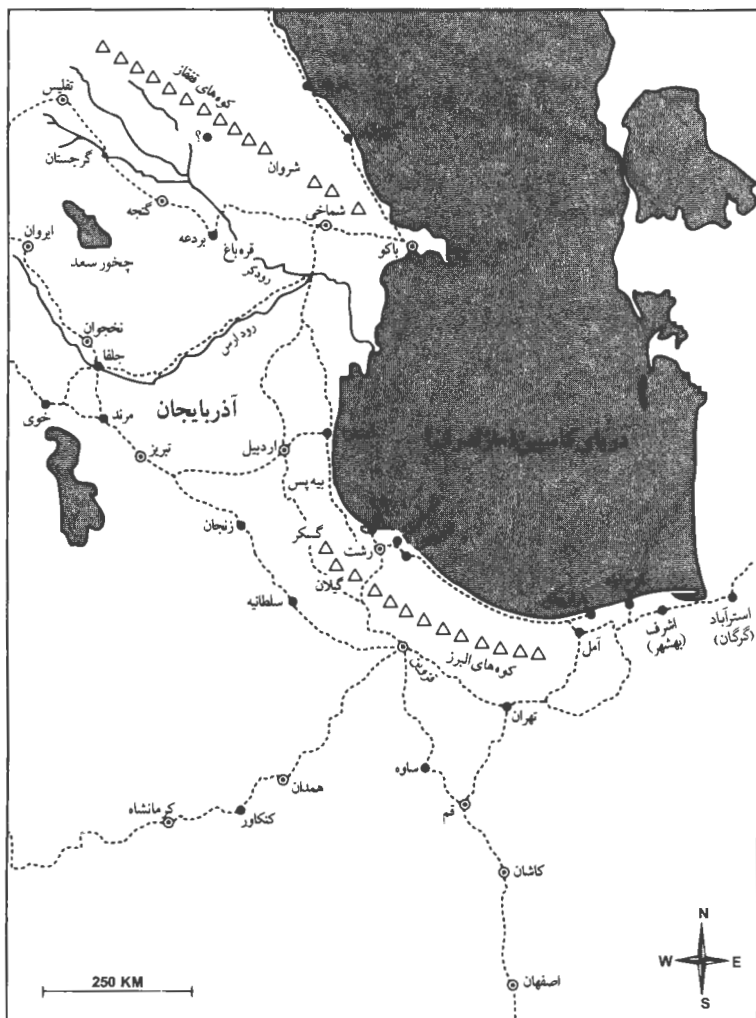
علائم اختصاری

AE	Archives des Affaires Etrangères	آرشیو امور خارجه (پاریس)
AME	Archives des Missions Etrangères	آرشیو میسیون های خارجی (پاریس)
ARA	Algemeen Rijksarchief	آرشیو ملی هلند (لااهه)
BN	Bibliothèque Nationale	کتابخانه ملی (پاریس)
BSOAS	<i>Bulletin of the School of Oriental and African Studies</i>	خبرنامه مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی
CMR (S)	<i>Cahiers du Monde Russe (et Soviétique)</i>	آرشیو جهانی روسیه (و شوروی)
EHR	<i>Economic History Review</i>	مجله بازرگاری تاریخ اقتصادی
EIC	East India Company	کمپانی هند شرقی (انگلیس)

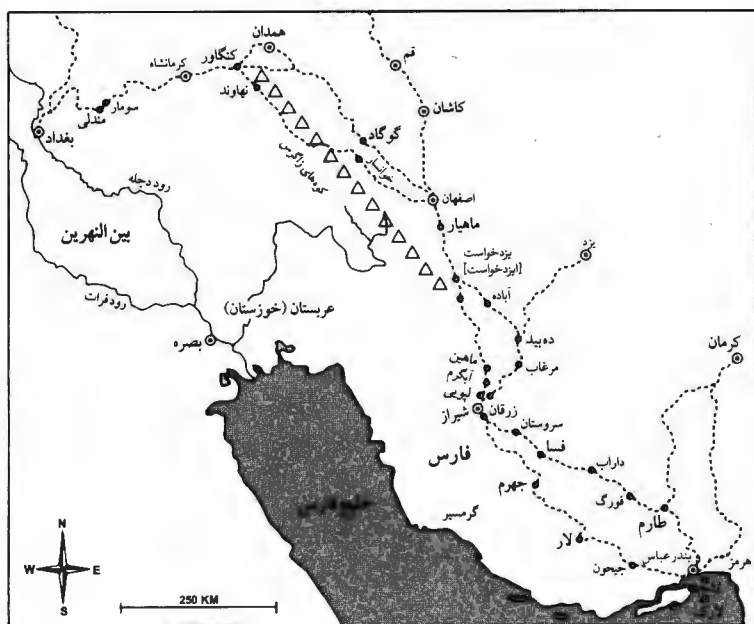
- EIr* *Encyclopaedia Iranica*
دانشنامه ایرانیکا
- FOG* *Forschungen zur Osteuropäischen Geschichte*
پژوهش درباره تاریخ اروپای شرقی
- IOR* *India Office Records*
اسناد اداره هند بریتانیا (کتابخانه بریتانیا، لندن)
- IS* *Iranian Studies*
مطالعات ایرانی
- IZ* *Istoricheskie Zapiski*
یادداشت های تاریخی
- JA* *Journal Asiatique*
مجله آسیایی
- JEH* *Journal of Economic History*
مجله تاریخ اقتصادی
- JESHO* *Journal of the Economic and Social History of the Orient*
مجله تاریخ اقتصادی و اجتماعی شرق
- JGO* *Jahrbücher für Geschichte Osteuropas*
خبرنامه تاریخ اروپای شرقی
- KSINA* *Kratkie Soobshcheniya Instituta Narodov Azii*
گزارش های کوتاه از مؤسسه مردم آسیا
- MOOI* *Le Moyen Orient et l'Océan Indien*
مطالعات خاورمیانه و اقیانوس هند (پاریس)
- REA* *Revue des Etudes Arméniennes*
مجله مطالعات ارمنه
- VOC* *Verenigde Oostindische Compagnie*
کمپانی هند شرقی (هلند)



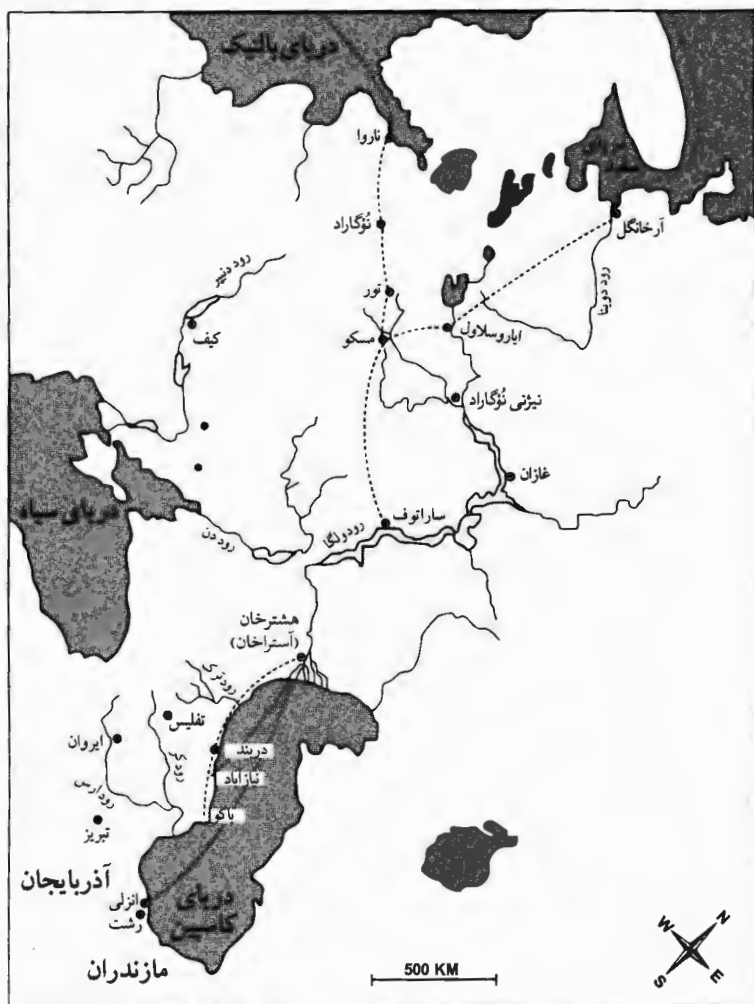
نقشه ۱ مسیرهای حمل و نقل ابریشم از ایران به اروپا، قرن هفدهم.



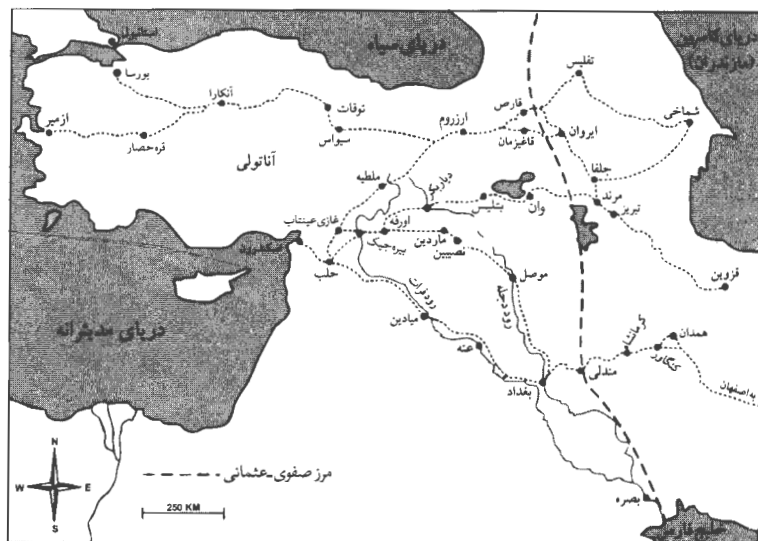
نقشه ۲ مسیرهای حمل و نقل ابریشم در شمال ایران، قرن هفدهم.



نقشه ۳ مسیرهای حمل و نقل ابریشم از جنوب ایران، قرن هفدهم.



نقشه ۴ مسیرولگا، قرن هفدهم.



نقشه ۵ مسیرهای حمل و نقل به خاور نزدیک و بنادر شرق مدیترانه، نیمه دوم قرن هفدهم.